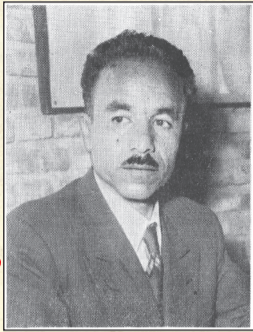


مدیرعامل جدید سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران

آقای دکتر کمال الدین جناب که از اوان جوانی به مسلک پیشاهنگی و تربیت بدنی و کوهنوردی بسیار علاقه مند بودند و در دوران تحصیل عشق خصوصی به امور پیشاهنگی و کوهنوردی داشتند و دوره پیشاهنگی را در انگلستان دیده اند، در المپیک ۱۹۳۶ در ریدف دانشجویان دانشگاه شرکت کردند. ایشان در سال ۱۲۸۷ در شهر تاریخی اصفهان متولد شد. پدرش مرحوم حاجی میرزا علی جناب یکی از

معارف بنام اصفهان بود. دکتر جناب مردی است صاحب کمال و با ذوق و شریف و کاردان و لایق و مقرراتی. پس از تحصیلات ابتدایی و مقدماتی در سال ۱۳۱۱ برای ادامه تحصیل به اروپا و آمریکا عزیمت نمود و موفق به اخذ دانشنامه دکترا گردید. در سال ۱۳۱۶ به ایران مراجعت کرد و وارد مرحله تعلیم و تربیت جوانان شده و در دانشگاه مشغول تدریس شد. دکتر جناب قبل از رئیس آزمایشگاه دانشکده علوم دانشگاه

تهران بودند، در زمان ریاست تیمسار سپهد جهانبانی نیابت رئیس انجمن به ایشان واگذار شده بود و چند مرتبه نیز موقتا کفالت سازمان را به عهده داشتند. دکتر علاقه زیادی به



دکتر کمال الدین جناب

ورزش دارد و راهپیمایی و کوهنوردی از ورزش های مورد علاقه اوست و در فن شنا نیز مهارت دارد. ایشان که از اساتید بنام و فاضل دانشگاه بودند، در زمان وزارت جناب آقای دکتر حسینی سماعت وزارت فرهنگ را داشتند.

به موجب تصویب نامه مورخ دوم خرداد ۱۳۳۲ هیأت وزیران و بنا بر پیشنهاد وزارت فرهنگ از تاریخ ۲۴ خرداد سال ۱۳۳۲ رسماً به سمت مدیرعامل سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران و طبق لایحه تصویبی مورخ ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ نخست وزیر و به موجب تصویب نامه شماره ۶۹۷۸-۳/۲-۲۲ به سمت قائم مقام دستگاه های ورزشی کشور منصوب گردیدند و تا ۲۵ مرداد در این مقام باقی ماند.



تیم هنرهای عالی قهرمان فصل ۳۳-۳۴ دانشگاه تهران

مسابقه فوتبال یا زمین خوردن؟

با آنکه باران شب قبل، زمین چمن فوتبال امجدیه را خیلی لرزان و غلطان کرده بود و تیم کارگران آبادان اصولاً تاکنون روی زمین چمن (بخصوص باران دیده) بازی نکرده بودند ولی چون برنامه قبلاً تنظیم شده بود، موافقت شد بازی انجام شود. ولی اگر آبادانی ها می دانستند چمن لغزنده امجدیه چه گرگ باران دیده ای است و چگونه به آنها دهن کجی خواهد کرد، هرگز آن روز در زمین چمن حاضر نمی شدند اما چه باید کرد؟ بازی باید عطفی می شد.

صدای سوت آقای رهبری کاپیتان های دو تیم را متوجه انتخاب زمین نمود و آقای زارع یک بار برای شیر یا خط کردن دستش را بالا برد و مجدداً پایین آورد. کاپیتان تیم شاهین گفت «شیر» ولی زارع چیزی به هوا نینداخته بود و خنده ای به روی داور مسابقه نمود. وقتی دو قرانی را به هوا پرتاب کرد و کاپیتان شاهین دوباره گفت «خط»، اتفاقاً شیر آمده بود و این بار دو کاپیتان و داور، سه تایی خندیدند. مسابقه شروع شد و نه فقط بازیکنان آبادانی در هر حمله و جنبشی زمین می خوردند بلکه بازیکنان شاهین هم زمین خوردن در این مسابقه مثل آنکه عادت شان شده بود اما برای بازیکنان آبادانی دیگر شلوارهای سفید اتو کرده ای وجود نداشت. همه دست و سر و سینه و پاهای شان گلی شده بود. در این بازی که پاس ها هوایی انجام می شد شش بر یک شاهین پیروز شد و اگر فوروارد های آبادانی در پاس های هوایی خود تجدیدنظری کنند همچنان که در مسابقه دوم بهتر بازی کردند، شاید بیش از اینها بازی شان گرم تر و با موفقیت توأم می شد. بازی دوم روز جمعه گذشته انجام شد و تماشاچیان در امجدیه شاهد یک بازی مهیج و شیرین شده بودند. تیم های نادر و کارگران به داوری آقای نصیری برای مسابقه انتقامی روبه روی هم ایستادند. سرانجام این مسابقه دو بر دو به نفع طرفین تمام شد. فکر می کنم اگر تیم اصلی کارگران با شاهین روبه روی می شد، با مشاهده مسابقه قبلی تیم فرعی، بازی آنها شیرین تر از آب در می آمد. ولی هر چه بود این دو مسابقه نمونه ای از فعالیت فدراسیون فوتبال بود که امید می رود با این فعالیت ها این ورزش زنده که ایرانیان استقبال فراوانی از آن کرده و می کنند، دوباره به اوج اعتدالی سابق خود برسد.

از دیگر فعالیت های فوتبالی سال، برگزاری رقابت های دانشگاه تهران بود که با قهرمانی تیم هنرهای عالی به پایان رسید.



مراسم رد و بدل پرچم های یادبود. آقایان زارع و بیاتی کاپیتان های تیم های آبادان و نادر با حضور آقای نصیری داور مسابقه به عمل می آید

داور دوومیدانی با لباس ۳۳ سال قبل!

قهرمانان بودند فریاد بلند بود. در مسابقات دوی قهرمانی صحرانوردی و دوی امدادی، تیم های تهران اول شدند ولی قهرمانان خوزستان به علت تغییر کلی آب و هوا که اتفاقاً قهرمانان زنده ای دارند، موفقیتی نیافتند. شب جمعه ششم اسفند که آقای سرتیپ ایزدپناه وارد شد، قرار بود به خانه آقای فرماندار برای استراحت برود. از مهمانخانه هم خارج شد. ولی بعد معلوم شد که ایشان به خاطر ورزشکاران دوباره به مهمانخانه بازگشتند. با آنکه در مهمانخانه جا نبود، با کمال ناراحتی هم آن شب و شب شنبه را در اتاقی موقتا نزدیک قهرمانان بیتوته کرد و حتی خواب نکرده بود. این هم یکی از خصلت هایی است که در تشویق قهرمانان بسیار مؤثر واقع شد. ظهر شنبه هم دوندگان مازندرانی ناهار را به دعوت آقای اقبال خبرنگار مؤسسه اطلاعات در مهمانخانه ایران بندر پهلوی در محیط دوستانه ای صرف کردند و نطق هایی ایراد شد. عصر شنبه هم از قهرمانان پذیرایی گرمی در رشت به عمل آمد. صبح یکشنبه قهرمانان شهرستان بندر پهلوی را ترک نمودند و روز بعد بقیه به سمت تهران حرکت کردند در حالی که هر کدام یک دانه ماهی دودی در دست داشتند که سوغات بندر پهلوی بود.



غلامحسین مفید با لباس سه دهه قبل در کنار حشمتی استاندار گیلان

استاندار گیلان، فرماندار بندر پهلوی، رؤسای شهربانی و فرهنگ و شهردار دو شهر رشت و بندر پهلوی و مدیران تربیت بدنی این دو شهر فعال بودند چون یک پای ۸۵ نفر دونده ۱۸ شهرستان در رشت و پای دیگر آنها در بندر پهلوی بود. باور کنید وقتی صدایی از دهانی برای تشویق فردی بلند می شد، حتی از میز و نیمکت و کف سالن های چوبی و هر جا که

آقای غلامحسین مفید به قول خودش ۶۰ سال دارد و سی سال است برای ورزش خدمت می کند. او با لباس ۳۳ سال پیش که در اولین مسابقه دوی صحرانوردی شرکت کرده بود، برای قهرمانان رقصید و خواند. شب جمعه شب خوشی بود. زیرا پس از صرف غذا یک برنامه بسیار زیبا از آوازاها و رقص های محلی کرمانشاهی، شیرین کاری اصفهانی و آبادانی و مازندرانی دیدیم.



دوندگان مسابقه صحرانوردی در خط شروع